از معاصران چهره های ماندگار: سیروس غنی: حقوقدان و تاریخ پژوه

امین، سید حسن

سیروس غنی،حقوقدان‏ برجسته و تاریخ‏پژوه نامدار،تنها پسر زنده‏یاد دکتر قاسم‏ غنی‏ست.وی دربیستم آبان‏ 1308(هشتم نوامبر 1929 میلادی)در شهر سبزوار متولد شد.

شش ساله‏ی غلزین عمر را در سبزوار و سپس در مشهد زیست و بالاخره پس از انتخاب‏ دکتر غنی به نمایندگی مجلس‏ از مشهد،در 1314 به همراه‏ خانواده به تهران آمد و تحصیلات ابتدایی را در تهران‏ گذرانید.دکتر غنی پس از شهریور 1320،پسر بااستعدادش را در سن پانزده‏ سالگی(1323)،برای تحصیلات متوسطه و آمادگی برای ورود به دانشگاه به بیروت‏ فرستاد.وی برحسب نقشه‏ی پدر،در کالج‏ امریکایی بیروت برای تحصیلات دبیرستانی‏ ثبت‏نام کرد،امّا بیروت را موافق طبع نیافت‏ و به فاصله‏ی کوتاهی از بیروت به انگلستان‏ رفت و در انگلستان در دبیرستان میل‏فیلد Millfield واقع در سامرست Somerset ثبت‏نام کرد و دو سال بعد برای اختتام‏ تحصیلات متوسطه و ورود به دانشگاه،به‏ امریکا رفت.در امریکا نخست در مدرسه‏ی‏ متوسطه چشر Cheshire Academy در ایالت کانک‏تی‏کات Connecticut وارد شد و به تحصیل در ادبیات انگلیسی پرداخت،در حالی که پدرش بیش‏تر مایل بود سیروس در پی حرفه‏ی پزشکی باشد.1

سیروس غنی،پس از ختم تحصیلات‏ متوسطه،وارد کالج وگنر Wegner در ایالت‏ نیویورک شد.در همین فاصله،دکتر غنی در فروردین 1331 برابر مارس 1952 در امریکا فوت کرد.

سیروس غنی در 1333 شمسی برابر 1954 میلادی،یعنی در سن بیست و پنج‏ سالگی،به اخذ مدرک B.A. (کارشناسی)در رشته‏ی ادبیات انگلیسی از کالج وگنر موفق‏ شد و به قصد تحصیل در دوره‏ی‏ فوق لیسانس به نیویورک آمد.ولی در آن‏جا به راهنمایی دکتر ابو البشر فرمانفرماییان، وارد دانشکده‏ی حقوق دانشگاه نیویورک شد و در همین زمان در انجمن دانشجویان‏ ایرانی مقیم امریکا-که مرکز آن در خیابان‏ 67 نیویورک بود-فعال شد و در نشریه‏ی‏ این انجمن که«دانشجو»نام داشت، به عنوان سردبیر مسؤولیت پذیرفت.

سیروس غنی عاقبت در سال 1958 میلادی برابر با 1337 شمسی،از دانشگاه‏ نیویورک در رشته‏ی حقوق فازغ التحصیل‏ شد2و در همان سال به کمک همسر امریکایی حقوقدان خود(خانم کارولین‏ غنی)نشریه‏یی انگلیسی در پنجاه صفحه در باب«بیگانگان در حقوق ایالت متحده با تکیه‏ی مخصوص بر مشکلات دانشجویان‏ خارجی»به رشته‏ی تحریر درآورد که‏ به عنوان نشریه‏ی مخصوص انجمن‏ دانشجویان ایرانی منشر گفت.3

سیروس غنی پس از اخذ مدرک J.D (جی.دی:«دکتری حقوق قضایی»)،از دانشگاه نیویورک،یعنی پس از پانزده سال اقامت در خارج،در پاییز سال 1958 میلادی برابر با 1337 شمسی،به‏طور دائم با همسر خود به ایران بازگشت.

سیروس غنی،پس از ورود به ایران،نخست به مدت یک‏ سال در اداره‏ی سازمان برنامه و بودجه‏ی کشور استخدام شد و سپس در 1338 به عنوان مشاور حقوقی به استخدام بانک‏ توسعه‏ی صنعتی درآمد و پس‏ از چندی به ریاست اداره‏ی‏ حقوقی آن بانک رسید.بعد از یازده سال،از کارمندی دولت‏ استعفا کرد و در 1349 به‏ همراه مهران توکلی،وکیل‏ دادگستری،به کار مشاوره‏ی حقوقی و وکالت دادگستری پرداخت.

سیروس غنی،در تهران،وارد جبهه‏ی‏ ملی شده و با دکتر غلام حسین صدیقی، اللهیار صالح و دکتر حسین مهدوی‏ (فارغ التحصیل حقوق از کمبریج)،همکاری‏ و هم‏فکری و معاشرت و مصاحبت‏ می‏داشت.او در عین حال،در نبود آزادی احزاب،در دوره‏های نیمه سیاسی دیگر نیز شرکت می‏کرد و بویژه با حسن علی منصور و امیر عباس هویدا و جمشید آموزگار و مهدی سمیعی نزدیک بود.و یک بار در 1968 به سمت«مشاور مخصوص‏ نخست‏وزیر در مسایل مربوط به ایالات‏ متحده»به همراه امیر عباس هویده به امریکا سفر کرد.در این سفر بود که در دسامبر 1968،لیندون جانسون،رییس جمهوری‏ ایالات متحده،درحالی‏که یک ماه بیش‏تر از دوره‏ی ریاست جمهوری‏اش باقی نمانده بود، بدون خبر قبلی به ضیافتی که سفارت ایران‏ در واشنگتن به افتخار امیر عباس هویدا منعقد کرده بود،تا چهره‏به‏چهره‏ شخصا ترتیب یک دیدار خصوصی بین‏ هنری کیسینجر(مشاور ریچارد نیکسون، رییس جمهوری آینده‏ی امریکا)را با هویدا بدهد.

در مجلّد بیستم از اسناد لانه‏ی‏ جاسوسی،طی سندی که در آذر 1342 در باب«جامعه‏ی روشنفکران ایرانی:ترکیب، الگو و مشکلات آن»تنظیم شده است، سفارت امریکا ضمن معرفی(دوره‏های» تهران می‏نویسد:«سیروس غنی(فرزند یک‏ پزشک،دانشمند و دیپلمات برجسته)، شب‏های دوشنبه برای خودش دوره‏یی دارد. محفل او شامل جواد و حسن علی منصور و اعضای بانک صنعتی و معدنی می‏باشد.او از هر دو طرف خانواده‏ی خویش با چهره‏های‏ برجسته‏ی مذهبی رابطه دارد.هرچند غنی از اعضای برجسته‏ی جبهه‏ی ملی‏ست،ولی‏ اغلب به دوره‏هایی که به وسیله‏ی علی امینی‏ یادداشت‏های سیروس غنی برای استاد سید علینقی امین: حضور مبارک جناب آقای امین دانشمند محترم‏ تقدیم گردید.

لندن-آبان‏ماه 1361-سیروس غنی

نخست‏وزیر ترتیب داده می‏شود،سر می‏زند.»4

در همان سلسله اسناد(شماره‏ی‏ هفدهم)،در سندی که مارتین هرتز، دیپلمات امریکایی،در شهریور 1346 تحت‏ عنوان«آخرین وصیت‏نامه‏ی من در مورد رابطین»نوشته است،چنین آمده است:

«سیروس غنی یکی از سودمندترین و مولدترین رابطینی که ما در تهران داشته‏ایم‏ و هم‏چنین یک دوست خوب می‏باشد،ولی‏ بایستی نقاط کور او را نیز در نظر داشت.او از لحاظ این‏که در ارزش‏های ما سهیم است‏ و دانش عمیق و واقعا دایره المعارفی و علاقه به ایالات متحده دارد،«طرفدار امریکا»است،ولی او همچنین یک‏ ملی‏گرای لیبرال می‏باشد و اهمیتی نخواهد داد از این‏که ایالات متحده دست خوش‏ تحقیر شود،نه تنها فقط در ویتنام،بلکه‏ هم‏چنین در خاورمیانه،سیروس یک‏ مکالمه‏گر واقعی‏ست در بهترین مفهوم این‏ کلمه و دارای ذخیره‏یی از اطلاعات درباره‏ی‏ ایران است.او هم‏چنین یک نوع مبادله‏گر اطلاعاتی‏ست و بدون شک آن را به دیگران‏ منتقل می‏کند.بنابراین او از مرحله‏ی معیّنی‏ بیش‏تر نمی‏تواند مورد اعتماد واقع شود.از سوی دیگر،او به سرعت از اشخاصی که‏ «خط به من می‏دهند»خسته می‏شود.ما در این‏که در محدوده‏ی مرزهای معیّنی واقع‏ شویم،دشواری نداشته‏ایم،ولی او چنان‏ باهوش است که می‏تواند از چند قطعه‏ اطلاعات به دست آمده از منابع مختلف، داستانی به هم ببافد.

سیروس بدون شک دارای شهامت‏ اخلاقی‏ست،ولی اساسا یک ناظر بوده و در صحنه‏ی سیاسی یک واسطه است.روزی‏ ممکن است برسد که او در شکل دادن یک‏ ائتلاف ملی مؤثر واقع شود.او بدون شک‏ همه‏کس را می‏شناسد و به عنوان یک مرد با حسن نیّت مورد احترام است.او دارای‏ قدرت حافظه‏ی فوق العاده‏یی‏ست.بیش از هرکسی که من تاکنون شناخته‏ام.»5

توشته‏ی بالا درباره‏ی«نقاط کور» سیروس غنی،از چشم یک دیپلمات/ جاسوس امریکایی،به عقیده‏ی من برای او سند افتخار است که سیروس غنی را اولا یک«ملی‏گرای لیبرال»می‏داند و ثانیا می‏گوید که وی از«تحقیر امریکا نه تنها در ویتنام بلکه در خاورمیانه»بدش نمی‏آید. ثالثا،این‏که یک دیپلمات امریکایی به‏ همکاران خود وصیت می‏کند که به سیروس‏ غنی«اعتماد»نکنند،به این معناست که‏ سیروس غنی نه طرفدار منافع امریکا،بلکه‏ خواستار منافع ملی ایران است.رابعا،این‏که‏ پیش‏بینی می‏کند که سیروس غنی ممکن‏ است در یک برهه‏ی زمانی وسیله‏یی مؤثر برای«ائتلاف ملی»باشد،بهترین داوری در حق کسی‏ست که با آن‏که همه‏ی درها به‏ روی باز بود،هیچ‏گاه شغل رسمی اجرایی‏ نپذیرفت و نیز خود را به کارهای تجاری و دلالی و کمیسیون گرفتن آلوده نکرد.امّا مهم‏تر آن‏که در اوج انقلاب،سعی خود را در ایجاد«ائتلاف ملی»کرد و مخصوصا به‏ امریکایی‏ها مکرر توصیه کرد که شاه را مجبور کنند،دکتر غلام حسین صدیقی-و نه دکتر شاپور بختیار-را به نخست‏وزیری‏ منصوب کند؛چنان‏که پرویز راجی در خاطراتش به این اقدام سیروس غنی در لندن تصریح دارد و می‏نویسد که وی در 30 دسامبر 1978/دی 1357،از سفارت‏ ایران در بندن به هنری پرشت(رییس امور ایران در وزارت خارجه‏ی امریکا)تلفن کرده‏ و چنین سفارشی کرده است.6در همان‏ شماره‏ی«اسناد لانه‏ی جاسوسی»در سندی دیگر مورخ آذر 1348 آمده است: «سیروس غنی که نزد سفارت بسیار مشهور است و علاقه‏ی عمیق و معلومات جامعی از سیاست امریکا دارد،اگرچه فعلا بسیار به‏ «دستگاه»نزدیک می‏باشد،ولی سیروس‏ هنوز خوب می‏داند که اوضاع سیاسی ایران‏ در چه وضعی‏ست.اگر شما سعی کردید که‏ آشنایی‏تان را بسط دهید،یادداشت‏های‏ مارتین هرتز را در نظر داشته باشید که‏ سیروس مایل است مسایل مهم و اساسی را بداند،نه مسایل پیش‏پا افتاده و تکراری را.»7

خدمات ادبی

سیروس غنی اگرچه از جهت تحصیلی‏ و حرفه‏یی در رشته‏ی حقوق قضایی کار کرده است،در زمینه‏های تاریخ معاصر،شرح‏ حال رجال عصر قاجار و پهلوی و نیز کارشناسی کتاب و اسناد فارسی نیز متبحر است و صاحب اثر؛آثار او عبارتند از:

1-یادداشت‏های ذکتر قاسم غنی‏ که آن‏ها را با حوصله و کوشش،در دوازده‏ جلد به هزینه‏ی خود در لندن چاپ کرد و به رایگان به کتاب‏خانه‏های دانشگاهی،مراکز ایران‏شناسی،بسیاری از اهل قلم و اندیشه‏ یا دوستان و آشنایان داد.بعدها همین‏ یادداشت‏ها با نظم و ترتیب تازه‏یی‏ به وسیله‏ی انتشارات زوار در تهران در هشت‏ مجلّد به چاپ رسید.

2-نامه‏های دکتر قاسم غنی که در حقیقت جلد سیزدهم یادداشت‏های دکتر غنی‏ست و به کوشش سیروس غنی(و صاحب این قلم)در«انتشارات وحید به‏ همت دکتر سیف اللّه وحیدنیا»در تهران‏ حروف‏چینی و در لندن توسط چاپخانه‏ی‏ پکا منتشر شد.

3-کتابی به انگلیسی که آن را ایران و غرب:کتاب‏شناسی انتقادی the West:A Critical Bibliography Iran and نام نهاد و فهرست کتاب‏های مفید بسیاری‏ در زمینه‏ی ایران‏شناسی به زبان‏ انگلیسی‏ست که در کتابخانه‏ی شخصی خود جمع‏آوری کرده بود.

4-مشهورترین اثر سیروس غنی،کتاب‏ ایران:برآمدن رضاخان،برافتادن قاجار و نقش انگلسی‏هاست که سیروس غنی‏ آن را براساس اسناد وزارت خارجه‏ی‏ انگلیس به زبان انگلیسی تهیه و با عنوان‏ Iran and the Rise of Reza Shah From Qajar Collopse to Oahlavi Rule منتشر کرد.خلاصه‏ی این کتاب را از دو پاراگراف‏ آغازین آن می‏توان دانست:

«سال‏های 1299 تا 1305،از جالب توجه‏ترین و پراهمیت‏ترین فصل‏های‏ تاریخ قرن بیستم ایران است.این دوران با کودتایی باور نکردنی در نهایت شتابزدگی‏ به تمهید افسری انگلیسی آغاز شد که از کشور و مردم ما تقریبا هیچ اطلاعی نداشت. نظامیان بریتانیا کم‏تر چنین خودسر دست به‏ سیاست یازیده بودند،تا چه رسد که بدون‏ دستور صریح دولت متبوع خود،کودتا راه‏ بیندازند.از این طرفه‏تر،نقش وزیر مختار انگلستان در این کودتاست،این شخص از همان لحظه‏ی ورود به تهران،به ابتکار خویش،به کارهایی کاملا برخلاف‏ توصیه‏های وزارت خارجه‏ی انگلیس‏ پرداخت،تا آن‏جا که سرانجام اعتماد وزیر خارجه‏ی بریتانیا را به کل از دست داد. کودتای سوم اسفند 1299 و آمدن رضا خان، نتیجه‏ی مستقیم ادامه‏ی سیاست‏ ناواقع‏گرای قرن نوزدهمی حکومت بریتانیا و گل سرسبد آن قرارداد 1919 در ایران پس‏ از جنگ جهانی اول بود،ایرانی که‏ ملی‏گرایی تازه‏یی در آن عمیق ریشه دوانیده‏ بود.کودتا،افسری گمنام را که هیچ‏گونه‏ی‏ تجربه‏ی سیاسی قبلی نداشت،به قدرت‏ رساند.امّا رضا خان چنان به سرعت آموخت و چنان به سرعت خود را با اوضاع و احوال‏ وفق داد که دست ماکیاولی را از پشت‏ بست.سیاستمدار تازه کار در عرض پنج‏ سال،دودمانی را که بیش از 130 سال بر ایران فرمان رانده بود،از پا درآورد و خود بر تخت سلطنت نشست.ده سال نخست پس‏ از کودتا،دوره‏ی نوآوری و اقدامات جسورانه، امیدهای بزرگ و اطمینان فزاینده،احترام و اتکای به نفس بود.در سال‏های واپسین این‏ دهه،از قراین‏چنین برمی‏آمد که ایران‏ کشوری مستقل و فارغ از سلطه‏ی خارجی‏ شده است.با وجود نقش آشکار انگلستان در کودتا و موقعیت برتر آن کشور در ایران، رفتار رضا شاه با بریتانیا و با حکومت سایر قدرت‏ها،بر پایه‏ی برابری بود.»

این کتاب که به همّت حسن کامشاد به‏ فارسی ترجمه و از سوی انتشارات نیلوفر در 1377 منتشر و بعد تجدید چاپ شده است، در داخل و خارج کشور مورد توجه قرار گرفت و چندین نقد مهم بر آن نوشته شد.

5-آخریت تألیف سیروس غنی،کتاب‏ My Favourtite Films یعنی فیلم‏های‏ دوست داشتنی من در تاریخ سینمای‏ جهان است که به انگلیسی نوشته شده و امید است آن نیز به فارسی ترجمه شود.

6-چاپ یادداشت‏ها و حواشی دکتر قاسم غنی بر دیوان حافظ که شرح چگونگی‏ تصمیم به چاپ عکسی Facsimile آن به‏ توصیه‏ی کارشناسانه‏ی دکتر احمد مهدوی‏ دامغانی در شماره‏ی 13 ماهنامه‏ی حافظ به تفصیل آمده.یادداشت‏های دکتر غنی بر حافظ براساس نسخه‏ی چاپ عکسی را چند سال بعد در 1366 باز هم به هزینه‏ی‏ سیروس غنی،اسماعیل صارمی و به شیوه‏ی‏ الفبایی تدوین و تنظیم کرد و به چاپ حروفی‏ رساند.

پی‏نوشت‏ها

(1)-غنی،دکتر قاسم،یادداشت‏ها،به کوشش‏ سیروس غنی،ج 11،ص 471.

(2)-در امریکا عموما کسانی که لیسانس حقوق‏ می‏گیرند،قبلا در رشته‏ی دیگری لیسانس دارند.

(3)- Students Association 1958. Foreign Students NewYork Iranian U.S.Laws with Oarticular Reference to the Caroline and Cyrus Ghani The Alien and

(4)-اسناد لانه‏ی جاسوسی،شماره‏ی 20،ص 69.

(5)-اسناد لانه‏ی جاسوسی:رابطین خوب امریکا، شماره‏ی 17،ص 16-17.

(6)-راجی،پرویز،خدمتگزار تخت طاووس، ترجمه‏ی دکتر حسین ابو ترابیان،ص 367.

(7)-اسناد لانه‏ی جاسوسی،شماره‏ی 17،ص 66.